

پرسش ۵۱: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می‌سازد؟!

السؤال / ۵۱: عندما يقرأ الناس دعواكم تظهر السخرية على وجوههم؛ لأنه الأدلة والبيانات والحجج غير كافية على هذه الدعوة، فتنسب دعواكم إلى علامات ظهور المبطلين والمغرضين والضالين والمضلين الذين يسبقون ظهور الإمام المهدي (عج)، (كالحسني واليماني أو الذي يدعي هو المهدي (عج))، فماذا يميزكم عن كل هؤلاء ولو بشيء يلفت النظر.

حسين العوادي - العراق - ۱۱ / جمادي الأول / ۱۴۲۶ هـ . ق

وقتی انسان ادعاهای شما را می‌خواند، خنده‌اش می‌گیرد؛ چرا که دلیل و برهان و حجت کافی برای این دعوت وجود ندارد. این ادعاهای شما انسان را به یاد افراد باطل و مغرض و گمراه و گمراه‌کننده‌ای می‌اندازد که قبل از ظهور امام مهدی (ع) ظاهر می‌شوند (مانند مدعیان حسنی، یمانی و یا کسی که ادعا می‌کند مهدی (ع) است). چه چیزی شما را از این افراد متمایز می‌سازد؟ حتی اگر مورد کوچکی باشد، بگویید!

حسين العوادی - عراق - ۱۱ جمادی الاول ۱۴۲۶

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

هذه الدعوة مؤيدة بأدلة كثيرة، وأنا وأعوذ بالله من الأنا لم أقل لأحد اتبعني أعمى، بل أقول افتح عينيك وميز الدليل واعرف صاحب الحق لتتقذ نفسك من النار، فدعوة الحق ترافقها دعاوى باطلة كحال رسول الله (ص) لما رافقته دعوة مسيلمة الكذاب (لعنه الله) وأشباهه.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

این دعوت با دلایل بسیاری تایید شده است و من و پناه می‌برم به خدا از منیت، به کسی نمی‌گویم که کورکورانه از من پیروی کند بلکه می‌گویم، چشمانت را باز کن و

دلایل را درست تشخیص بده و صاحب حق را بشناس تا خود را از آتش برهانی. در کنار دعوت حق همواره ادعاهای باطلی نیز وجود داشته است؛ مانند وضعیت زمان رسول خدا(ص) که هم‌زمان با وی، مُسیلمه‌ی کذاب (لعنت خدا بر او باد) و نظایرش نیز بودند.

و كما عن المفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (إياكم والتنويه، أما والله ليغيين إمامكم سنيماً من دهركم، ولتمحصن حتى يقال مات، قتل، هلك، بأي واد سلك؟ ولتدمعن عليه عيون المؤمنين، ولتكفأن كما تكفأ السفن في أمواج البحر فلا ينجو إلا من أخذ الله ميثاقه، وكتب في قلبه الإيمان، وأيده بروح منه، ولترفعن اثنتا عشرة راية مشتبهة، لا يدري أي من أي، قال: فبكيت، ثم قلت: فكيف نصنع؟ قال: فنظر إلى شمس داخله في الصفة فقال: يا أبا عبد الله ترى هذه الشمس؟ قلت: نعم، فقال (ع): والله لأمرنا أبين من هذه الشمس)([239])، فقد بين الإمام (ع) أنّ دعوة الحق أبين من الشمس، وهي أبين من الشمس؛ لأنّ أدلتها أدلة الأنبياء والمرسلين والرسول محمد (ص) والأئمة (ع)، فالتفت إلى أدلة هذه الدعوة وقارنها بدليل الرسول محمد (ص)، اقرأ بعض أدلة الدعوة في كتاب النور المبين للأستاذ ضياء الزيدي، وفي كتاب البلاغ المبين للشيخ ناظم العقيلي، وستجد الأدلة كثيرة جداً، منها وصية رسول الله (ص) والروايات عن أهل البيت (ع) والعلم والحق والهداية والمباهلة وقسم البراءة والكشف والرؤيا بالرسول والأئمة والأنبياء (ع) التي رآها المؤمنون والمعجزات والغيبات.

مفضل بن عمر می‌گوید: شنیدم ابا عبد الله(ع) می‌فرمود: «بپرهیزید از شهرت دادن و فاش کردن! به خدا سوگند که امام شما سال‌های سال از روزگار شما غایب شود و هر آینه شما در فشار آزمایش قرار گیرید تا آنجا که بگویند: امام مُرد، کشته شد و به کدام دره افتاد و دیده‌ی اهل ایمان بر او اشک بارد، و شما مانند کشتی‌های گرفتار امواج دریا متزلزل و سرنگون شوید، و نجات و خلاصی نیست، جز برای کسی که خدا از او عهد و پیمان گرفته و ایمان را در دلش ثبت کرده و به وسیله‌ی روحی از جانب خود تقویتش نموده باشد. دوازده پرچم مشتبه برافراشته گردد که هیچ یک از دیگری

تشخیص داده نشود». مفضل گوید: من گریستم و عرض کردم: پس ما چه کنیم؟ حضرت (ع) به شعاعی از خورشید که در ایوان تابیده بود اشاره کرد و فرمود: «ای ابا عبد الله، این آفتاب را می بینی؟» عرض کردم: آری. فرمود: «به خدا سوگند، امر ما از این آفتاب روشن تر است» ([240]). بنابراین امام (ع) روشن کردند که دعوت حق از خورشید هم روشن تر است. این دعوت نیز از خورشید روشن تر است؛ چرا که دلایل آن، همان دلایل انبیا و فرستادگان و حضرت محمد (ص) و ائمه (ع) می باشد. پس به دلایل این دعوت توجه کن و با دلایل رسول خدا حضرت محمد (ص) مقایسه کن. برخی از این دلایل را می توانی در کتاب «نورالمبین» نوشته‌ی استاد «ضیاء زیدی» و «البلاغ المبین» نوشته‌ی «شیخ ناظم عقیلی» مطالعه کنی. در این صورت خواهی دید که دلایل بسیاری زیادی وجود دارد از جمله وصیت رسول اکرم (ص) و روایات اهل بیت (ع)، علم، حق و هدایت، مباحله، قسم برائت، مکاشفه و رؤیای رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) که بسیاری از مؤمنان دیده‌اند و معجزات و غیبات.

وإن لم تنفك كل هذه الأدلة (فارتقب يوم تأتي السماء بدخان مبين * يغشي الناس هذا عذاب أليم) ([241])، و عندها قل مع القائلين: (ربنا اكشف عنا العذاب إنا مؤمنون) ([242])، وسيأتكم الجواب: (أني لهم الذكرى وقد جاءهم رسول مبين * ثم تولوا عنه وقالوا معلم مجنون) ([243]).

و اگر همه‌ی این دلایل سودی به تو نرساند: (چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بیاورد * و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور) ([244]) و در آن هنگام به همراه دیگران بگو: (ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دورگردان که ما ایمان آورده‌ایم) ([245]) و پاسختان این گونه خواهد بود: (کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد * سپس از او روی گردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته) ([246]).

سبحان الله، ألم تتعظوا بحال الأمم التي سبقتكم؟ فحالكم اليوم كحال اليهود مع أنبيائهم.

سبحان الله! آیا از حال امّت‌های پیشین عبرت نمی‌گیرید؟ وضعیت امروز شما مانند وضعیت یهود با پیامبرانشان است.

ألم تتعظوا بكلام الله وبالقصص التي في القرآن؟ انظروا إلى حالكم، أليس هو حال علماء اليهود ومقلديهم عندما سخروا من زكريا (ع) ومن يحيى (ع) ومن عيسى (ع)، ما فرقكم عنهم بالله عليك؟!

آیا از کلام خداوند و داستان‌هایی که در قرآن هست، پند و عبرت نمی‌گیرید؟ به وضیت خودتان بنگرید؛ آیا همان وضعیت علمای یهود و مقلدانشان نیست آن هنگام که زکریا(ع) و یحیی(ع) و عیسی(ع) را به ریشخند می‌گرفتند؟ شما را به خدا سوگند، فرق شما با آنها چیست؟

وإن كنت ممن ألقى السمع وهو شهيد، ستجهش بالبكاء وتقول والله نحن أسوء من اليهود وعلمائهم الذين انكبوا على الدنيا وحاربوا الأنبياء وأنصارهم الذين ساروا إلى الآخرة، وأمنوا بها وبملكوت السماوات والغيب.

ما الذي يدفعكم للسخرية مني ومن المؤمنين بهذه الدعوة الحقّة؟ أسأل نفسك وراجع ربك و (اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا) ([247]).

اگر از کسانی باشی که به سخن حق گوش فرا می‌دهند در حالی که او شاهد است، حتماً با حالت گریان خواهی گفت: به خدا سوگند که ما از یهود و از علمای یهود هم بدتر هستیم؛ کسانی که به دنیا چسبیدند و با انبیا و انصارشان به نبرد پرداختند؛ همان انصاری که به سوی آخرت شتافتند و به آن و به ملکوت آسمان‌ها و غیب ایمان داشتند.

چه چیزی باعث می‌شود که من و مؤمنان به این دعوت را به باد مسخره بگیریم؟ از خودت سؤال کن و به پروردگارت رجوع نما و (بخوان نامه‌ات را که امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود، بسنده‌ای) ([248]).

و على مرّ العصور من هم المستهزون؟ وهل سمعت أو قرأت أنّ الأنبياء والمرسلين (ع) والمؤمنين يستهزون؟ لكنك دائماً تجد أنّ الاستهزاء والسخرية هو ديدن المكذبين والكافرين بدعاوى الأنبياء والمرسلين.

در طول قرن‌ها مسخره‌کننده‌ها چه کسانی بودند؟ آیا شنیده یا خوانده‌اید که انبیا، فرستادگان و مؤمنین کسی را مسخره کرده باشند؟ ولی همواره ملاحظه می‌کنید که استهزا و مسخره کردن، روش و شیوه‌ی تکذیب‌کننده‌ها و کافران به دعوت‌های انبیا و فرستادگان، بوده است.

بئس القوم كنتم لي يا اهل العراق، اتبعتم كبراءكم الذين اتبعوا أمريكا و هادنوها و اقروا ديمقراطيتها، و رضيتم أخيراً بسقيفة الظالمين، و أعطيتم العذر لمن نحى أمير المؤمنين علياً (ع)، و انقلبتم على أعقابكم كافرين بتنصيب الله و حاكميته سبحانه و تعالى، و حاربتم هذه الدعوة الحقّة طلباً للدنيا العفنة.

چه بد قومی هستید شما ای اهل عراق! از بزرگان‌تان که از آمریکا پیروی می‌کنند تبعیت می‌کنید، با آمریکا سازش و دموکراسی‌اش را تایید می‌کنید و در نهایت به سقیفه‌ی ظالمان راضی شدید و عذر کسانی که امیر المؤمنین (ع) را از مقامش کنار زدند موجه دانستید و به آیین پیشینیان‌تان که کافر به تنصیب از سوی خداوند و حاکمیت او سبحان و متعال بودند، بازگشتید و به طلب این دنیای کثیف و متعفن، با این دعوت حق به مبارزه برخاستید.

اتبعتم من لم يزدده ماله ودنياه إلا خساراً، كما اتبع أهل مكة أبا سفيان وحاربوا جدّي رسول الله محمداً (ص)، وما تنقمون مني وأنا أدعوكم لكتاب الله ولولي الله الأعظم الإمام المهدي (ع) ولنبد الباطل وأهله، ما خرجت إلا لطلب الإصلاح في أمة جدّي رسول الله (ص)، وبأمر أبي الإمام المهدي (ع)، كما خرج جدّي الحسين (ع) فإن اتبعتم أمة الضلالة فقديماً فعل آباؤكم واتبعوا فقهاء الضلالة، شبت بن ربي وشمر بن ذى الجوشن وشريحاً القاضي وأعانوا ابن زياد ويزيد (لعنهم الله) على قتل الحسين بن علي (ع)، وإن لفي العين قذى، وفي الحلق شجى، وإنا لله وإنا إليه راجعون، وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم.

از کسی پیروی کردید که مال و دنیایش چیزی جز ضرر نداشت؛ همان طور که اهل مکه از ابوسفیان پیروی کردند و با جدّم رسول خدا (ص) به مبارزه برخاستند. چرا با من دشمنی می کنید در حالی که من شما را به کتاب خدا و ولی بزرگوار خداوند حضرت مهدی (ع) و کنار گذاشتن باطل و اهلش دعوت می کنم؟! من جز برای اصلاح امت جدم رسول خدا (ص) و به فرمان پدرم امام مهدی (ع) برنخاستم؛ همان طور که جدّم امام حسین (ع) قیام کرد. اگر از رهبران گمراهی پیروی کنید که در گذشته نیز پدرانتان چنین کردند و فقهای گمراهی مانند شبت بن ربی، شمر بن ذی الجوشن و شریح قاضی را پیروی نمودن و ابن زیاد و یزید (که لعنت خداوند بر آنان باد) را برای کشتن امام حسین (ع) یاری دادند، در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو دارم و همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم، در این صورت (به زودی کسانی که ظلم کردند خواهند فهمید به کدامین بازگشت گاه باز خواهند گشت) و لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظيم.

تدبروا قوله تعالى: (إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ * فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ * إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ) [249]، ثم اسخروا واضحكوا كثيراً، فلا تخطئون سنة أسلافكم وستحلبونها دماً عبيطاً، وسيلعنكم

التالون كما يلعن اليوم من حارب محمداً (ص) وسخر منه، وستعلمون من الرابع
غداً عندما لا ينفعكم العلم شيئاً.

در این سخن خداوند متعال به نیکی تدبّر کنید: (آری، گروهی از بندگان من
می گفتند: ای پروردگار ما، ایمان آوردیم، ما را بیامرز، و بر ما رحمت آور که تو بهترین
رحمت آورندگانی * و شما ریشخندشان می کردید تا یاد مرا از خاطرتان بزدودند و شما
همچنان به آنها می خندیدید * امروز آنها را به پاداش صبری که می کردند پاداش
می دهم که آنها سعادت مند هستند) [250]. پس شما مسخره کنید و بسیار بخندید و
سنت گذشتگان خود را زیر پا نگذارید که به زودی ثمره‌ی آن را خون‌های ریخته شده
برداشت خواهید کرد و آیندگان شما را لعنت خواهند نمود همان طور که امروز کسانی
که با حضرت محمد (ص) جنگیدند و او را مسخره کردند، لعن می شوند و فردا خواهید
فهمید که چه کسی سود برده است؛ زمانی که دیگر علمتان سودی برای شما نخواهد
داشت!

وأنا وأعوذ بالله من الأنا ساقص لك ولغيرك هذه الرؤيا لعلمكم تتعظون: (رأيت
في المنام: إنّ أحد الشيوخ في حوزة النجف - وأنا أعرفه - واقف بقربي، وبقربنا
مجموعة من الملائكة وهم بصورة البشر، فسألوا الشيخ المذكور عني وعرضوا
عليه أدلة الدعوة، فكذب الدعوة، ثم جاء شخص مهيب وعظيم القدر وكأنه مهيم
على الملائكة وعلى الرؤيا وكل ما فيها، فقال الملائكة للشيخ المذكور: وهذا
الشخص أيضاً لديه دعوة وهذه أدلتها، فعرضوا عليه أدلة دعوة هذا الشخص
العظيم القدر، فقال: إنّ دعوة هذا الشخص كأدلة دعوة أحمد الحسن، فقال الملائكة
للشيخ المذكور: أو تعرف من هذا؟! هذا محمد بن عبد الله صاحب السيف القاطع
والسهم النافذ، رسول الله (ص)، فقال الشيخ المذكور: أنا. لا أصدق بمحمد ولا
بأحمد، وأعرض بوجهه) وأقسم بالله العلي العظيم أنّي رأيت هذه الرؤيا وفيها
الرسول محمد (ص)، ولم أقص عليك هذه الرؤيا كدليل استدل به على أحقية هذه
الدعوة، وإن كانت الرؤيا دليلاً، ولكني قصصتها لأنني أعتبرها رسالة من الله، لعل
الله ينفكك وغيرك بالمعاني التي وردت فيها فتتعظ وأمثالك والله ولي التوفيق.

من و پناه می‌برم به خدا از منیت، رؤیایی را برای شما و دیگران تعریف می‌کنم، شاید که پند و عبرت بگیرید: «در خواب دیدم یکی از شیخ‌های حوزه‌ی علمیه‌ی نجف که من او را می‌شناسم کنار من ایستاده بود و در نزدیکی ما گروهی از فرشتگان در هیأت انسان، ایستاده بودند. آنها از آن شیخ درباره‌ی من سؤال پرسیدند و دلایل این دعوت را به وی عرضه نمودند و شیخ این دعوت را تکذیب کرد. شخص با ابهت و والامقامی که گویا بر این فرشتگان و بر همه‌ی عالم رؤیا سیطره داشت، آمد. فرشتگان به شیخ مذکور گفتند: این شخص نیز دعوتی دارد و اینها دلایلش هستند؛ و ملائکه به شیخ دلایل دعوت آن شخص والامقام را عرضه داشتند. شیخ گفت: دعوت این شخص مانند دلایل دعوت احمد الحسن است. ملائکه به آن شیخ گفتند: آیا می‌دانی این مرد کیست؟! این شخص محمد بن عبد الله صاحب شمشیر بُرنده و تیرِ تیز است! شیخ یاد شده گفت: من نه به محمد و نه به احمد ایمان ندارم. سپس رویش را برگرداند». به خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگوار قسم می‌خورم که من این رؤیا را دیدم و در این رؤیا رسول خدا حضرت محمد(ص) حاضر بود. من این رؤیا را به عنوان دلیلی بر حقانیت این دعوت برایت تعریف نکردم - اگرچه رؤیا خود دلیل است - این رؤیا را برایت گفتم چون آن را نامه‌ای از جانب خداوند می‌دانم شاید خداوند توسط این رؤیا و مفاهیمی که در آن وجود دارد، به تو و دیگران سود برساند و پند بگیرید؛ و خداوند توفیق‌رسان است.

والحمد لله الذي جعلنا مؤمنين بملکوت السموات والغيب والآخرة وهي من الغيب والحمد لله وحده، ولعنة الله على كل كافر جاحد بملکوت السموات والغيب.

أحمد الحسن - جمادي الأول / ١٤٢٦ هـ . ق

سپاس خداوندی را که ما را مؤمن به ملکوت آسمان‌ها و غیب و آخرت که از غیب است، قرار داد. حمد و ستایش مخصوص خداوند یگانه است و لعنت خداوند بر هر کافری که به ملکوت آسمان‌ها و غیب ایمان ندارد.



وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم
تسليماً.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم تسليماً

[239] - الكافي: ج 1 ص 336.

[240] - كافي: ج 1 ص 336.

[241] - الدخان: 10 - 11.

[242] - الدخان: 12.

[243] - الدخان: 13 - 14.

[244] - دخان: 10 و 11.

[245] - دخان: 12.

[246] - دخان: 13 و 14.

[247] - الإسراء: 14.

[248] - اسراء: 14

[249] - المؤمنون: 109 - 111.

[250] - مومنون: 109 تا 111.